

جنگ

بازار آریستوتل و بیسیج حزب و تاجا چهره نیست

پنجشنبه ۲۰ اسفند ماه ۱۳۲۶

تک شماره در همه جا ۴ ریال

دوره دوم - شماره ۱۵۰



صفحه گرامافون جدید His Master's Voice (صدای صاحبش !)



راديو ستر
سولدى
ENTRUM
بوى دنيا و مناسب
برای ايران
برکت کياکا عباد
ی - سرای طوسی
ای شهرستانها
آقای حسین شهبلا
» حمید «
» محمدعلی جوا



رداء اند اتومبيلهاى
رد . عكاس باباشمل
و باته قيب همديگر

صنعت على در يابگى

چند کلمه !!!

بقیه از صفحه ۲
 باور کنید که من برای اندوختن سود پای در این راه نهاده بودم و بیش رندان رقم سود و زیان اینهمه نیست. اکنون نیز از این جهت غمی ندارم زیرا:
 بدل چودر تکرم ملک و جاه من عشق است ترا که عشق ندادند ملک و جاه طلب! شماه هفته چند صفحه نامه باباشمل را میدیدید و در نیم ساعت آنرا خوانده و بیایان میرسانیدید ولی از رنج و زحمت و خونت دلی که همراه آن بود بیخبر بودید و حدس نمیزدید که مایه آن چند سطر نوشته شیرین چقدر تجربه های تلخ و مشاهدات ناگوار و رنجهای بی شمار بود.
 گفتم و باز تکرار میکنم که در این کشور نفریت شده که نه مشروطه است و نه استبداد، سرزمینی است که در آن نه آزادی هست و نه آزادی نیست، و فقط فقط پول با قسارت و خشم تمام در سرتاسر آن حتی در گوشه های گمنامش حکومت میکند، هنوز محیط برای رشد مطبوعات ملی مساعد نبوده و گوش مردم برای شنیدن صدای حق آنهم بشیوه شوخی آماده نمیشد و مرد عاقل و صلاح اندیش باید پند مولانا را بکار بندد که میفرماید:

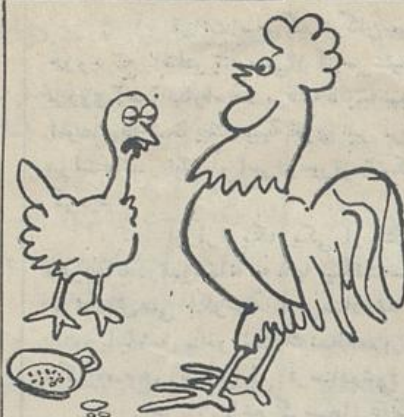
هین مشو چونند پیش طوطیان
 بلکه زهری شو، شوایمن از زبان
 باور کنید، در این مملکت که یکمده دزد بدنام و جمعی دزد خوشنام و یکمشت ضعیف و بیعرضه در آت حکومت میکنند نامه نویسی و حقیقت گوئی بسیار دشوار است و:

سبزوار است این مکان و مرد حق
 اندر اینجا ضایع است و متعق!
 در این محیط کثیف و آلوده هر کسی را که شوری در سر و شروری در سینه است چند صباحی می گوید و عاقبت باز بانس را میزند و یا نومید و پشیمان می کنند و همیشه:

گل نماند، خارها ماند سیاه
 زرد و بیمه ز آمده چون تل کاه!
 پنج سال نامه نیکاری بمن آموخت که این مملکت دیگر از حرف اشباع شده است و گفتن سودی ندارد و تا حرف جای خود را بعمل ندهد و یک انقلاب اساسی این ساط کهنه و فرسوده را در نوردد، هیچگونه امیدی بآئیه این کشور و این مردم نمیتوان داشت.

من فهمیدم که ماهواره اصلاح اوضاع را از کسان می خواهم که خود مسبب این وضع آشفته و تحمل نا پذیر بوده و سود بر آندند و اولین قدم برای رستگاری، قطع امید اصلاح از این طایفه و طبقه است.

من دانستم که دست های مر موزی دائما در این مملکت در کار است که از جمع شدن مصلحتین حقیقی جلو گیری نموده و آنها را بمبارزه بایکدیگر و اداری نماید تا بدین وسیله میدان را برای دغلبازان و نادرستان باز نکند.



— چی چی قو قو لیتو؟!، تو هنوز در بر نامه اصلاحات داخلی آقای تک تخم هم نگذاشته ای!

صحبت های بین الاثنین

باتمانقونلج — راستی من بآبودن روزنامه کاملاً موافقم.
 قهید — چرا؟
 باتمانقونلج .. آخرین روزنامه ها اسم اشخاص را مینویسند و ما آنها را یاد میگیریم و دیگر موقع رأی دادن مثلاً بجای «حکیمی» حکیمی مینویسیم.

ارباب جوادیه — راستی چرا وقتی که معتبرنامه تو میخواست تصویب بشود قهید سور مفصلی بافتخارتو داد و ما هم شکمی از عزا در آوردیم، اما تو در راه رفیقت فقط بخوردن چند تاشمت و لگد اگفا کردی و بافتخار او سوری راه بینداختی که از خجالتش در بیایم؟

باتمانقونلج — آخر من شریک دارم و شریکم راضی نیست که مالش را در راه حرام صرف کنم، این بود که فقط بخوردن آن مشت و لگد قناعت کردم. بعلاوه اگر من کتک نمیخوردم اصلاً معتبرنامه رفیقم تصویب نمیشد.

من هر چند از این مبارزه مغلوب بیرون می آیم و اقرار میکنم که نتوانستم بقدر جوی از قدرت بدکاران و ستمگران بکاهم، ولی در عین حال خوشوقت و روی سپیدم که در این مبارزه پای از دایره جوانمردی و مردانگی بیرون نهدم.

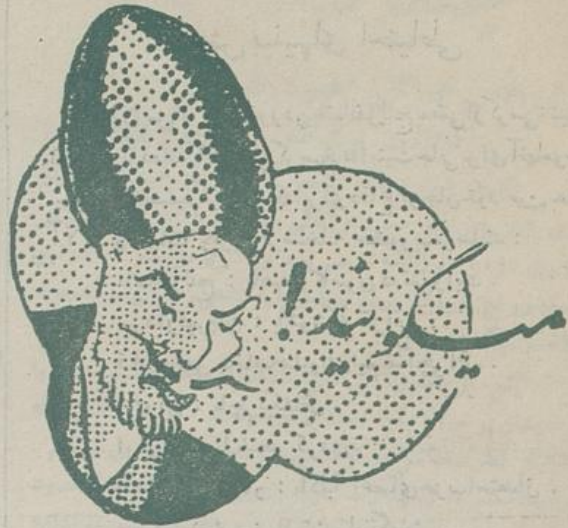
اکنون برای مدتی استراحت، قلم بزمن میگذارم و اگر خدا خواست و بخت یاری کرد و حوصله ای باقی ماند سال دیگر روزنامه را بطرز نوینی انتشار خواهم داد. من قلم را بزمن میگذارم در حالی که صدها آرزو در دل و هزاران حرف بر لب دارم لیکن موانع مادی و معنوی مرا از ادامه این خدمت باز میدارد و از خداوندخواهانم که در سال نو مرا نیروی تازه بخشد، تا توفیق خدمتگذاری میسر گردد و الا ای بسا آرزو که خاک شده.

دوست شما : باباشمل

پیش بینیهای احتیاطی

چون پس از کتک خوردن باتمانقونلج بعضی از کرسی نشینان احساس کرده اند که در سالن کرسیخانه امنیت جانی برای آنها موجود نیست لذا تصمیم گرفته اند که برای دفاع از جان خود من بعد با آلات و ادوات زیر در کرسیخانه حضور بهم رسانند:

- باتمانقونلج : باهنگل کامیون ده تنی وایت .
- سردار قهرمان : باشوشکه قزاقی .
- قباد هرهر : باسه ملیون و نیم تفنگچی اش .
- اخوان : باچرتکه اش .
- اردوان : باخنجر کردی .
- عبداللطیف کرفار : باکلیه اعضای حزب استعمال .
- مسئله کذاب : بازبان راستگوش .
- الکساندر ۱۶ : باحماش غیبی اش .
- آشتیانوف : باکلیه جمعیت رفیقان .
- جواد ماموت دودی : باچکش اتومبیل سازمان .
- امینه ها : باگاراژداران و ماست بندان .
- بهادر خان : باشکم سنگر بندی شده اش .
- کر بلائی زاده : بازبان تند و تیزش .
- شراب خسروانی : باتیشه و ماله اش .
- خولی لر : با یک صندوق کبریت .
- احمد یاتاقان ، بافوج هنر پیشگان دلربایش :
- زلفعلی ۲۱ : با زلفعلی زنجانی .
- حکیم باجی : باچاقوی جراحی .
- دکتر دل و قلوبه : بانفس بیخ اش .
- ساعده سیهین : باقیافه حق بیجان اش .
- شربتوف : با اصول و قانون کشدارش .
- صاحب جمع : باجمعش .
- صاحب دیوانه : با صاحبش .
- حکیم تابا : باچیچی جراحی .
- عجم شیبانی : باشلاق اسب سواریش .
- حسین قشقره : با داداشش خسرو .
- کله بادی : باتنه زره پوشش .
- ارباب کیوه : بالنگه کیوه اش .
- جواد دولابچه : باچماق باباشمل .
- لیوانی : بالیرانش .
- اسدل مده : باچماق تکفیرش .
- دکتر مته : بادژبانهای داداشش .
- ماموت ماموت : بامال بندگاری .
- عباس چاپچی : با نورد ماشین چاپ .
- مش یخی : بامایر اب دلش .
- ابوالهاتم : با سیبلهای از گوش دررفته اش .
- مکه : باتوار بیخ بیحد و حسابش .
- بالانصاف : بادب ذاتیش .
- خیلک پول : باکیسه پولش .
- نراقه : با پنجه و سه نفرش منهای پنجاه و دونفر .
- خسرو بدایت : با میل بیستون لکوموتیو .
- عمو قاقام : بادعای سحرش .
- عامری : اصلاً جرئت نمیکند بکرسیخانه بیاید .
- فاضل آب و توت هرات : چیزی لازم ندارند زیرا کسی نزدیک آنها نمیرود .



... قهید پس از تصویب معتبر نامه اش چنان جان گرفته است که درصدد تهیه نطقی دربارهٔ بازرگانان خارجی می باشد .

... نطق دفاعیهٔ قهید را یکی از وکلای مدافع عدلیه و کرسی نشین همسر او تنظیم کرده بود و چندان تعریفی هم نداشت .

... موجبات آشتی مهندس روضوی و باتمان هویج را جواد دولا بیچه فراهم کرده بود .

... عده ای از روزنامه نویسان درصدد آشتی دادن روزنامهٔ ابلاغات و بندگی برآمده اند تا فاضح کار این طایفه مانند افتضاح جریانات اخیر کرسیخانه نشود و مگر کین از آب گل آلود ماهی نگیرند .

... مندرجات روزنامهٔ یکی از ماههای زمستان راجع بدعوی باتمان هویج و روضوی بقدری کرسی نشینان را عصبانی کرده است که دستور تعقیب بداد سرا داده اند .

... قهید هنگام تصویب معتبر نامه و شمارش آراء سفید و سیاه مثل مریض محض در اطاق پشت کرسیخانه بامونند السلطنه نشسته و گوش میداد و همینکه شمارش آراء خاتمه یافت موند السلطنه برای چشم روشنی و دست لاف پنج تومان بقهید داد، ولی از آنطرف عدهٔ فقیر و بیچاره دور و بر ویرا گرفته دست او را میبوسیدند و میبوییدند و تبریک میگفتند که شاید او هم دست لاف بدیشان بدهد ولی همان اشخاص بانگن و بیا وسائل دیگر اظهار دلسوزی به آسیدمصندوق میکردند .

... قهید هم نزد آسیدمصندوق رفته و قبل از تصویب معتبر نامه اش از او طلب کمک نموده است . سید جواب داده که من باتو کاری ندارم ، مخالفت من اصولی و بادستگاه و کیل تراشی مش احمد بود ، بروی کارت ، تو لایق این کرسیخانه ای و این کرسیخانه هم شایسته تو!

... دکتر مته هم از تغییر رئیس در خانه عصبانیت و میخواست حکیمباشی را بجای استیضاح سؤال هیچ کند . گویا برای دوستان او در دعواخانه هم خوابی دیده اند .

... پس از آنکهی نرخ رسمی گوشه عدم توجه نصایبها بنرخ رسمی مسلم شد که کلاه شهرتار پشم ندارد، مگر اینکه اربابش یکی از کلاه پوستیهای کهنه اش را بدو ببخشد .

... عباس بابلی در جلسه شب دوشنبه بجای سؤال از دولت جزوهٔ تاریخ رم مدرسهٔ حقوق را خواند و از اسم بردن اشخاص ابا داشت . گویا قرار بود کتک مفصلی از منوچهر کله بادی نوش جان کند که رندان باورسانند و بایک تکذیب یا تحریف گفته های خود تکرار جملهٔ **سوی استیضاه** بجای سوء استفاده دفع شر از خود کرد .

... قرائت اسامی گیرندگان جواز جو و برنج را فنادن پته بعضی از کرسی نشینان بر روی آب آنهارا سخت بر علیه غایبینه نهیبی نمود، ولی ضمناً یک جبههٔ قوی نیز بر له دولت دالر بافشا، اسرار جواز تشکیل کردید .

... از قراریکه یکی از مشایخ دعواخانه در قهوه خانه به بابا میگفت حکم تبرئه داش علی بکرسیخانه فرستاده شد .

باباشمل - خوبست یک نسخه هم برای دکتر مصرع و رستم زابلی فرستاده شود .

... جریانات اخیر کرسیخانه عده ای از کرسی نشینان را از زنگوله دار باشی رنجانیده است .

... شانس آقاخان اشرفی طلا هم برای ورود در غایبینه زیاد است .

... نامزد کرسی لامیجان از طرف آسیدمصندوق بارون ژرف موشار و از طرف مقامات بالا دی هم شاعر و از طرف عناصر ملی و بیطرف هم آسیدمصندوق است .

... علت تغییر خواجه بوری و نصب درویش نصرالله بوردستی باجگیرخانه اختلاف نظر شدیدی بود که اخیراً بین خواجه بوری و وزیر پیدا شده بود . به نیا هم کبابه وردستی میکشد .

... باخرید کفش از خارجه قریب ۴۵۰ نفر از کارگران کفشدوز قشون بیگار و در این شب عید باعائلة خود بی نان شده اند . گویا این اقدام پیش از وزیر فعلی بعمل آمده است .

باباشمل - ما معنی حمایت مصنوعات داخلی را که مقامات بالا با بوق و کرنا بما گوشزد کردند نفهمیدیم .

... یکی از اشخاصیکه جدیداً در جارچی خانه مشغول شده است خودش یک خروار کلیشهٔ عکس خود را با عبارت زیر آن بروز نامه فرستاده است :

گویا دوام عمر غایبینه تا ۲۴ فروردین که تاریخ خاتمه مدت انتخابات هیئت رئیسهٔ کرسیخانه و کمیونهای پارلمانی است تأمین شده است و برای همین مدت هم صحبت ترمیم مکرر در میانست .

... سردارزنگه و دولا بیچه و امینه از جریانات اخیر کرسیخانه عصبانی بوده و عقیده داشتند که کتک کاری اهمیت ندارد ولی فحشهای چالمیدانی نباید در کرسیخانه تکرار شود .

... لایحهٔ محدودیت بازرگانان خارجی با این تشبیهات و کارشکنیهای که میشود بدین زودی بتصویب نخواهد رسید و شاید این لکهٔ فنک الی الابد - برای کرسیخانه ۱۵ باقی بماند .

... کمسیون بودجه روی فشار بعضی از استانداران از تصمیم خود راجع بانومیل های آنان و خرج سفره عدول کرده و استثناء قابل شده است . منصور حلاج گفته است که با بودن هواپیمای آمدن مهمانان زیاد من چطور با ماهی هزار تومان زندگانی کنم .

باباشمل - او هم حق دارد .

... قریب پنج ماه است وزارت خرچنگ روی عناد و لجاج چند نفر از مأمورین داخلی اش حقوق دو سه نفر مأمورین خارجی خود را نداده و آنها را بلاتکلیف گذاشته است .

... عصر سه شنبه علت معرفی نکردن وزرای جدید بکرسیخانه قصداً بستر کسیون بود که کرسی نشینان فرا کسیون دمکرات ایران داشتند و بهیچوجه حاضر نیستند زیر بار اینت کابینه ولو با ترمیم کلی بروند .

... مسلمیه کذاب و آشتیانرف از فرا کسیون خودشان استعفا دادند ، کله بادی و یکی دو نفر دیگر نیز مستعد استعفا دادن هستند .

... فعالیت شدیدی برای جوش دادن دمکرات قدیم و جدید در جریان است و محرک این عمل نزدیکی انتخاب هیئت رئیسهٔ کرسیخانه است . در صورت یکی شدن دو فکرا کسیون شانس ریاست جناب سردارزنگه زیاد میشود .

... وکلای کرمان از انتخاب وزیر اندرونی جدید خوشدل نیستند و آنرا مقدمه انتخاب یکی از کله گنده ها از توابع کرمان می دانند .

... در فرا کسیون اتحاد ملت هم دوستگی کامل حکم فرماست و گویا عباس چاپچی و معتبر واحد یاناقان چون دیده اند حمایتشان رنگی ندارد و همشهر بهارایش از این نمی توانند منتر کنند از فرا کسیون قهر مصلحتی کرده اند .

... حکم کرسیخانه که اوستاها میتوانند فقط از یکجا غیر از مدرسه و آنهم منتهای قصد تومان حقوق بگیرند و باوجود تصویب کرسیخانه هنوز بدانسگاه ابلاغ نشده است، مانع این عمل خیراوستاهای کرسی نشینند .

باباشمل - ماشاءالله حکم دولت حکیمباشی را در اجلاس وزیرانش هم نمیخوانند و واسه تصمیمات کرسیخانه تره هم پاک نمیکشند .

... ترمیم دولت ابد مدت تغییر زیادی در سر نوشت آن نداشته و حکم نوشدارویی را دارد که بعد از مرگ بسهراب داده اند و جناب حکیمباشی کاری را که دو ماه نیم پیش میبایستی بکنند الاث لازم است بکنند سه ماه دیگر خواهد نمود .

... شانس صدارت داش علی و داش عبدالزهمه بیشتر است و دیگران باید سماع بکنند و کشکشان را بسابند .

... جناب حجیم الملک هم با انقلاب سفیدش کاری را که میبایستی اول کند پس از اشتباهات مکرر در آخر کرد .

تحقیقات باباشمل

بنگاه کل باباشمل بنقلید عمیقی در کرسیخانه بعمل آورده که نتیجه آنست در دسترس عموم پانزده دوره است که ایران در کرسیخانه مبارکه تاکنون ۹۹۹ در هزار آنها نخواهد شناخت . هشتاد درصد خود را ندیده و از این عده شصت در شان در کجای ایران واقع است . پنجاه درصد کرسی نشینان پنجاه درصد بقیه فقط نصفشان زیر کاغذها را مهر میکنند . ۹۵ درصد دشات با می آیند و بقیه از اتومبیل های استفاده میکنند . ۸۰ درصد کرسی نشین بکرسیخانه آمده اند و بیست درصد خودشان را انجام نیده اند . ۷۰ درصدشان اصلاً درصد بقیه هم از حرفهای خود ۴۰ درصدشان بیش از سی سال دارند و سی درصد سن شات از هفتاد خواهد گذشت . ۸۰ درصدشان بوس شده اند و بیست درصد بقیه در آورده است . ۸۰ درصدشان بقدر دارند و پانزده درصد دیگر بر قاپشال برسند . ۹۰ درصدشان از برای توصیه و کار چاقی کنی بقیه آقدر بیجانند که حوصله ۸۰ درصد از بود و انصار آنها که در ادارا ۲۰ درصد هم خرج هزینه خویش آنها میگردد . ۹۰ درصدشان بپرد که روی کار میآید رأی مواز درصدشان موافق همان در ۸۰ درصد چوپهای قطع شده و نصف بیشتر بوقیه بنام اعوان و انصار صدر رسد حکمیتها داده شده ، بدست ده در یافته است . در موقع رأی داد بلند میشوند ، هفتاد درصد همینانند و بقیه اصلاً حال بلند ۹۹ درصد لوابیح

ندارد.
 شاه است وزارت
 حاج چند نفر از
 قوق دو سه نفر
 نداده و آنها را
 ملت معرفی نکردن
 تصددا بستر کسیون
 اکیون دمکرات
 به حاضر نیستند
 لو با ترمیم کلی
 ب و آشتی از
 استعفا دادند
 گر نیز مستعفا
 یدی برای جوش
 جدید در جریان
 نزدیکی انتخاب
 است. در صورت
 ون شان ریاست
 میشود.
 ن از انتخاب وزیر
 نیستند و آنرا
 به کنده ها از توابع
 ون اتحاد ملت هم
 ست و گویا عباس
 قان چون دیده اند
 شهر بهار بیش از
 از فرا کسیون قهر
 خانه که اوستاها
 از مدرسه و آنهم
 بکیرند و با وجود
 بدانشگاه ابلاغ
 بل خیراوستاهای
 الله حکم دولت
 وزیرانش هم
 ت کرسیخانه تره
 ملت ابد مدت تغییر
 نداشته و حکم
 به بعد از مرگ
 حکیمباشی کاری
 یستی بکندهالات
 بگرخواهد نمود.
 رت داش علی و
 ت و دیگران باید
 را بسایند.
 ملک هم با انقلاب
 تی اول کند پس از
 کرد.

تحقیقات باباشملانه

بنگاه کل باباشمل بتقلید از بنگاه گالوپ آمریکا تحقیقات عمیقی در کرسیخانه بعمل آورده و آمار درست و حسابی زیر را که نتیجه آنست در دسترس عموم میگذارد:

پانزده دوره است که عدهای باسم نمایندگان ملت ایران در کرسیخانه مبارکه جمع میشوند ولی ملت شاید تاکنون ۹۹۹ در هزار آنها را درست و حسابی نشناخته و نخواهد شناخت. هشتاد درصد کرسی نشینها حوزه انتخابیه خود را ندیده و از این عده شصت درصد اصلا نمیدانند حوزه انتخابیه شان در کجای ایران واقع است.

پنجاه درصد کرسی نشینها فقط سواد نوشتن داشته و از پنجاه درصد بقیه فقط نصفشان سواد امضاء کردن دارند، مابقی زیر کاغذها را مهر میکنند.

۹۵ درصدشان با اتومبیل شخصی بکرسیخانه می آیند و بقیه از اتومبیل های دولتی که نمره شخصی خورده استفاده میکنند.

۸۰ درصد کرسی نشینها اصلا نمیدانند برای چه بکرسیخانه آمده اند و بیست درصد دیگرشان بلد نیستند که وظیفه خودشان را انجام ندهند.

۷۰ درصدشان اصلا بلد نیستند حرف بزنند و سی درصد بقیه هم از حرفهای خودشان چیزی نمیفهمند.

۴۰ درصدشان بیش از هفتاد سال و ۳۰ درصدشان کمتر از سی سال دارند و سی درصد بقیه تا آخرین دوره یا سن شان از هفتاد خواهد گذشت و یا نازه یا بسی سالگی خواهند گذاشت.

۸۰ درصدشان بوسیله حزب فرندات ایران وکیل شده اند و بیست درصد بقیه را قشون ظفر نشون از صندوق در آورده است.

۸۰ درصدشان بقدر تمام مردم مملکت پول و ملک دارند و پانزده درصد دیگرشان هم نا امید نیستند که روزی برقایشال برسند.

۹۰ درصدشان از صبح تا ظهر در اداره های دولتی برای توصیه و کار چاق کنی رفت و آمد میکنند و ده درصد بقیه آنقدر بی حالند که حوصله بیرون آمدن از خانه را هم ندارند.

۸۰ درصد از بودجه دولت به صرف حقوق اعوان و انصار آنها که در ادارات زورچپان کرده اند میرسد و ۲۰ درصد هم خرج هزینه سفر فرنگ نور چشمیها و قوم و خویش آنها میگردد.

۹۰ درصدشان به دولت تاره و او شرب نذی الجوشن، که روی کار می آید رأی موافق میدهند و یکماه بعد فقط ده درصدشان موافق همان دولتند.

۸۰ درصد چوبهای جنگلها بدست پنجاه درصد آنها قطع شده و نصف بیشتر پروانه های جو بنام چهل درصد آنها و بقیه بنام اعوان و انصارشان صادر شده است.

صد درصد حکمیتها که در آنها بر علیه دولت رأی داده شده، بدست ده درصد همین کرسی نشینها انجام یافته است.

در موقع رأی دادن ده درصدشان از روی اراده بلند میشوند، هفتاد درصد دیگر با آنها نگاه کرده و تقلید مینمایند و بقیه اصلا حال بلند شدن را ندارند.

۹۹ درصد لوایح در قبرستان کسیون دفن میشود و

حوزه انتخابیه خود را شناسید!

چندی پیش باباشمل برای راهنمایی کرسی نشینان خصوصیات اخلاقی موکلین فرضی آنها را شرح داد، اکنون برای اینکه خدمت بیشتری بآنها بکند، چند نکته هم راجع به حوزه انتخابیه شان مینویسد تا معلوماتشان تکمیل شود.

قوم: در هر خیابان چند مسافر خانه و جلار هر مسافر خانه یک جین گدای قد و نیمقد دارد.

شوشتر: بتعداد جمعیتش کوچک پس کرجه و در هر کرجه، پس کوچک یک امامزاده دارد.

خرمشهر: چند نفر ملیونر دارد و بقیه ماهگیران لغت و برهه اند.

اصفهان: ایضا چند نفر ملیونر کردن کلفت و بکشت کارگر ناراضی دارد.

شیراز: سر هر گذر یک دیک شلمن پخته دارد.

آشتیان: تادلت بخواد منشی و دبیر حضور و نویسنده دارد.

ارشدیل: تا بخوای مردمان عاشق میشه دارد، مخصوصاً در موقع سفر حج.

قزوین: میگویند دخوو او یار دارد ولی هر چه آدم از آنجا بیرون آمده سرش بکلامش میارزیده است.

اراک: چند نفر مالک محترک و عده زیادی رعیت لغت و کرسنه دارد.

اهواز: تراخم دارد.

رشت: الی ماشاء الله سیاستمدار پر ادعا دارد.

کرمان: کرسی نشینان بزین بهادر و مردمان تریاکی دارد.

تهران: وزیر دارد، وکیل دارد، همه چیز دارد و هیچ چیز ندارد.

قهریز: غیرت دارد ولی آنطرف قافلانکوه.

یک درصد آنها هم که تصویب می شود لوایحی است که در آنها رعایت منافع کرسی نشینان شده است.

۹۹ درصد لوایح تصویب شده اجرا نمیشود و یک درصد بقیه هم بالای جان مردم شده و برای بیزار کردن آنها از دولت و مجلس کافیتست.

در موقع تشکیل کسیون شش نفرشان را نمیشود در یکجا جمع کرد، اما در مهمانیها و سورچرانیها سروکله همه شان پیدا می شود.

یک درصد اعتبارنامهها رد میشود،



اگر بچه اول زن دختر باشد، مایل است هر چه زودتر او را یکی از ولایات شوهر بدهد، تا سن خودش معلوم نباشد.

زن و مرد هر دو بهم دروغ میگویند، اما دروغ زن آمیخته به شیطنت و ایمان بنفهمی مرد است و دروغ مرد بخیال مصلحت وقت و ایمان قطعی باینکه روزی مشتش باز خواهد شد.

خانها مثل بید به پارچه علاقه دارند. نود درصد قضاوت مادر روی اشخاص و احترام بدانها روی لباس آنهاست، باز بگویند زنها رموز زندگی را نمیدانند!



— واقعا این حجم الملك ما نابغه است، دستور داده صندلی هارا تبدیل به چهارپایه کنند و با همین یک رقم بودجه مملکت را تعدیل خواهد کرد!

آنهم معمولاً مال فقیرترین و بی دست و پا ترین کرسی نشینهاست.

۸۰ درصدشان بقول مرحوم حاجی مطلق بمرض پیرها گرفتارند و بیست درصدشان هم بمرض جوانها.

۷۸ درصدشان فقط برای این بکرسیخانه می آیند که تماشای لژ مخصوص را بکنند و ده درصدشان هم روزهایی که اهل و عیال تشریف آورده اند برای خود نمی درافشانیهائی مینمایند و برخ والده آقا مصطفی میکشند که مبادا مشارالیه تصور کنند که اینقدر هاهم که فکر میکنند بی عرضه اند.

۹۰ درصدشان وقتی این مقاله را میخوانند برای باباشمل خط و نشان میکشند و ده درصدشان هم زیر سیلی در می کنند.

هر زنا محقق

جدول باباشمل

برای آقایان بیکاری که خانه‌هاشان روز جمعه مشغول قمارند

Table with 12 columns and 12 rows, containing numbers 1-12 and symbols like 'X' and 'O' in a grid pattern.

اقتی :

۱ - کرسی نشین کنگ خور ۲ - کرسی نشین کرمانشاهی که ادعا میکند بدون کم و کسر سه ملیون و نیم تفنگ دارد - نورانی ۳ - از نقاط آذربایجان - بمعنی گرفتن و ربودن است ۴ - حرف ندا - شعرای ایران عاشق خون دختر آن بودند - کرسی نشین همدانی که از خر مشهر سردر آورده است ۵ - سنگی است سبزرنگ - در آسمان بجوی ۶ - وردست بی بو و بی خاصیت و جنب نخور با جگر خانه بود - خرس - کافی ۷ - رفیق امان - از مشاغل آزاد که صاحب آن در کوه خار میکند ۸ - نامی از نامهای نیراعظم - از ماههای ایرانی ۹ - کرسی نشین خوش خوراک سرابی - او در دوره استبداد و وظیفه اش را بهتر از شهریان دوره دمکراسی انجام میداد ۱۰ - نادان - زهره ۱۱ - تخلص زاغچه فراری - صدمه و گزند - ایلی است ۱۲ - شهر است - نام قصبه است در اصفهان - کرسی نشین جوان که در کنگ زدن يد طولانی دارد .

عمودی

۱ - اگر حرف ماقبل آخر همزه بود یکی از کرسی نشینان جوان بز بهادر میشد - سر اعتبارنامه او کنگ کاری شد ۲ - از آن پارچه مباحثه - از ادات تعجب - پایتخت یکی از مالک ۳ - کچل و بیمو با کمی تغییر - پادشاهان کوچک هند ۴ - باتدبیر - دریا و رود - مهربانتر از مادر آن کمیابست ۵ - میانه اش با سلطان محمود خیلی خوب بود - هر مسجدی از آن دارد ۶ - آتش - در نزدیکی تهرانست - هر بانک و کارخانه ای آخر سال از آن بیرون میدهد ۷ - مرغ خوش آواز است - اگر يك حرف با آخرش اضافه کنی پایت فرو میرود - جلو آب میکشند ۸ - آب در آن جاریست - از آلات موسیقی قدیمی ۹ - چهار عمودی - ستمگر - رهگذر ۱۰ - هر دو جنس - در آیش خانه و سر سفره از آن هست ۱۱ - ره - ریشه - گندم را در آن نکندارند ۱۲ - فلزیست - گرفتار عقید - توفیر او بسخن گفتن این رقمی بشکن .

حساب با

چهار عمل معادلات کرس

۳۶ سال عمر + يك نیاقه جو گندمی + دو حلقه چشم ریز غیر خالص + یک دست لباس مشورت و مجتهد و بانای مشروطیت + تحصیلات ابتدائی × مشهور + خارج × ضمن خدمت + عضو بیرون × نفوذ فامیلی + عزت + استقاده از محضر محمود این نعمت غیر مترقبه + تلافی باد که بیرونی × نفوذ کرسی نشینی + عشته ها و بیچک ها × هر رقم ملت + نوچه گی در سیاست + مهارت در پشت هم انداز بهای خست + رفیق بازی × حد قفائی .



برگشت مادر - آفتاب سوختگی چرا مثل گاز گرفتن میماند!

با همین شماره ۵ می رسد - از نمایندگان ۵ داریم که هر چه زود حساب خود را تسویه کسی خود را از این ادا روزنامه کتباً اطلاع دهد

از ما پرسند

وجه تلگراف بموکلین

و خرج سفر حوزه انتخابیه

معلوم نیست بیچاره کارمند دولت چه هیزم تری بکرسی نشینان دوره یازدهم فروخته که همه هم و غم این بی انصافها صرف بریدن نون اون میشه . چند وقت پیش بود که کرسی نشینا اونقده در باره چندرغاز حقوق کارمند فلک زده مته بخششاش گذاشتند و از سر و ته صنار سه شاهی عابدی اوزدند که بیچاره حاضر بود این کار تکبئی دولت را ول کنه و دست عیالشو بگیره و بزه تو خیابونا گدائی بکنه ، بلکه انجمن سازمان خدمات دسته جمعی رحمی بحالش بکنه . اما بعدش معلوم شد که همه این ناخن خشکیهای کرسی نشینا واسه این بود که از این به شاهی صنار هائی که کسر میکنند محلی برای اضافه حقوق خودشون درست کنن ، این بود که فوری اون لایحه گدائی را بکرسرخونه بردند و بهانه پول تلگراف بموکلین ، کلی بحقوق خودشون اضافه کردند . هیچکس هم نبود باونا بگه ، آخمو کلینی که شمارا نشینا سن مکه بیکارن تلگراف واسه تون بکنن که شما هم باین بهانه مجبور بشین از بیت المال مات و از نون کارمند فلک زده برین و جیب خودتونو پر کنین .

بهر جهت باز چند روز پیش اشتباهی آقایون باز شد . این دفعه به قلم هیگه بر روی چندرغاز فوق العاده و خرج سفر کارمندون کشیدند و معلوم میشه باز این آقایون خیالی سرداران و میخان محل دیگری برای اضافه حقوق خودشون بتراشن ، منها اون دفعه اضافه حقوق بعنوان پول تلگراف بموکلین بود ، اما حالا چون میخان اقلا برای به دفعه هم شده حوزه انتخابیه شونو ببینن و برای اینکار خرج سفر لازم دارن ، چه راهی بهتر از اینکه خرج سفر ما مورین دولتو بزنی تا محل لازم پیدا بشه و این دفعه لایحه اضافه حقوق دیگری بهانه خرج سفر رفتن حوزه انتخابیه بکرسرخونه ببرند .

کارمند دولت

فضول آغاسی

باباشمل - آی فضول آغاسی : از قدیم گفته اند مار از پونه بدش میاد ، اونم در لونه اش سبز میشه . حالا چونم ، توهم که اینقده از این قزاقا میترسی ایناجلو چشمت سبز میشن . میخان بدو نم چرا هر وقت تو خیابون راه میری ، کنار خیابونو میداری راست میری وسط میدان رد میشی که دم چک قزاقه بیفتی و زهره اتو بیازی؟! دو من ، مکه بابا ما مور قزاقخونه است که بدو نه اینارو برای چی وسط خیابونا گذاشته اند ، اگر راست میگی به روز که از پهلوی یارو رد میشی خودت برو از اش بپرس و اگه چیزی دستگیرت شد با پا را هم بیخبر نذار . شاید اون بیچاره خودش هم ندونه که واسه چی اونجا گذاشتنش و شاید هم بقول خودت از سر بازی دوره حکومت قزاقی باشه که چون روزاول دستور داده اند که تو خیابونا بمونن ، بعداً یادشون رفته و اونارو بخوان و این بیچاره ها هم چون خیلی به انضباط قزاقی عادت دارن ، اونقده تو خیابونا حاضر سلاح میمونن که تا دستور عقب کرد براشون برسه . بهر جهت این سؤال تورا تو روز نومه انداختیم که اگه اینظوره و اقامتیس قزاقخونه یادش رفته این قزاقا را بخواد ، فوری یادش بیفته و این بیچاره ها را از این بلانکلیفی نجات بدهد تا دعای خیری در حق من و توهم بکنن .

چاپخانه یمنی

نیش و نوش

عیدی پیشگی

جناب نجم بیارن خود در آخر کار

مقام و منصبی از روی نا امیدى داد

چو دید عزم سفر دار داند این شب عید

بدوستان همه نا گشته عید ، عیدی داد

شیخ سر نه

حساب باباشمل

چهار عمل اصلی

معادلات کرسی نشینان

۳۶ سال عمر + يك قیافه پیرنما + يك مشت موهای جوگندمی + دو حلقه چشم ریز و نمناک + ۵۴ کیلو وزن غیر خالص + یک دست لباس شیک + يك خانواده قدیمی و مجتهد و بانی مشروطیت + يك پدر مرحوم و بقولی مسموم + تحصیلات ابتدائی X مشهد + ادامه تحصیل X تهران و خارج X ضمن خدمت + عضویت وزارت دارائی X یاری دکتر گاو بانی + رفاقت و صمیمیت با او + انتقال بوزارت بیرونی X نفوذ فامیلی + عزیمت بمصر و خدمت در آنجا + استفاده از محضر محمود ابوالهول + کرسی تربت X نعمت غیر مترقبه + تلافی باد کتر گاو بانی و انتقال او بوزارت بیرونی X نفوذ کرسی نشینی + علاقه به کل (بلبل) مخصوصاً عشته‌ها و بیچک‌ها X هر رقم + عضویت فرا کسیون اتحاد ملت + نوچه‌گی در سیاست + هوش زیاد - قوه نطق و بیان + مهارت در پشت هم اندازهای سیاسی + صفا + وفا + خست + رفیق بازی X حد اعتدال + سرنگهداری = **قفائی**.



برگشت از اسکی
مادر - آفتاب سوختگی پشت کردن بسیار خوب! اما چرا مثل گاز گرفتن میماند!

آگهی اداری

باهمین شماره دوره دوم باباشمل با تمام می رسد. از نمایندگان خود در ولایات تمنی داریم که هر چه زودتر قبل از اتمام سال لطفاً حساب خود را تسویه نمایند: ضمناً اگر چنانچه کسی خود را از این اداره طلبکار می داند بدفتر روزنامه کتباً اطلاع دهد. دفتر نامه باباشمل

ترمیم کابینه

حاجت خانه نو ساز به تعمیر افتاد
کار کابینه يك ماهه به تغییر افتاد
خواجه اندر صدد نقش در و ایوان شد
«لکن آنروز که اینخانه ز تعمیر افتاد»
کار این ملک خدا یا بکجا انجامد
که چنین یکسره در پنجه تقدیر افتاد
خانه بی در و پیکر شود البته خراب
چند روزی اگر این کار بتأخیر افتاد

شیخ سرنا

قطعنامه اعتراض آمیز شو فرها!

چون مهندس روضوی نسبت بنمایند
حقیقی مجامعت شو فرها در کرسیخانه
جسارت کرده و او را کنک زده است، بنابراین
مجامعت شو فرها از هر صنف و دسته و دین
و ملت تعهد و پیشنهاد میکنیم که،

۱- دولت مکلف است کلیه مهندسين
را نشان بزند که ما آنها را بشناسیم و از
سوار کردنشان خودداری کنیم.

۲- از راهبائی که بدست مهندسين
ساخته شده است عبور و مرور نکنیم و از
بیراه برویم.

۳- تمام لوازم اتول مبین ها را که
بدست مهندسين ساخته شده بیرون بیاوریم
و بدهیم آهنکرات خودمانی از آنها را
بریزند.

۴- همگی باهتدل و آچار فرانسه
دم در کرسیخانه حاضر باشیم تا دیگر
نتوانند نماینده ما را تنها گیر آورده و کتک
پیچش کنند.

در خاتمه از این فرصت استفاده کرده
و بدولت علیه میگوئیم که اگر گریه اتوبوسها
و تاکسی هارا زیاد نکنند، همگی دست از
کار کشیده و سعی خواهیم کرد دوره دیگر
وکیل بشویم، تا اگر از جماعت مهندسين
کسی بکرسیخانه آمد اعتبارنامه اش را فوراً
رد کنیم.

از اعلام حکم محکمه میرغضب سر متهم
را بریده بود و حکم مزبور بسر بریده
ابلاغ و چون جوابی شنیده نشد حمل بر غبت
ورضا شده و معلوم گردید که متهم قصد
خواستن پژوهش ندارد.

اگر این قاضی و این محکمه و این زورداست
عنقریب است که ... همگی قضاوراست.

جشن

دیروز بعد از ظهر جشن مفصلی در
شهرتاری بمناسبت بخش دسته جارو بسپور
ها بر پا بود. از کلیه وزراء عظام و
کرسی نشینان کرام دعوت بعمل آمده بود
و مجلس جشن با ایراد نطق شهرتار افتتاح
و بادعا و ثنا بخوشی و میمنت خاتمه یافت.
جریان جشن بوسیله رادیاتور خانه دو
شبانه روز مدام بخش گردید.

مراسم تودیع

بمناسبت اعزام یکصد نفر از اسرای
سازمان جمع آوری و لگردان و گدایان
برای گماشتن باعمال شاقه از قبیل جاده
سازی و غیره دیشب مجلس تودיעی در
سر قیر آقا بر پا بود.

جناب وزیر بیراه در عین بیجالی
نطق مفصلی بزبان حال در اهمیت این
وظیفه ملی ایراد فرمودند و مجلس با
خواندن سرود دسته جمعی «گدایم من،
گدایم من، بسختی مبتلایم من!» خاتمه
یافت. در آتروکت نطق جناب وزیر يك
حلقه فیلم تمام رنگی و وصله پینه شده موسوم
به «اگر بارگران بودیم رفتیم» نمایش
داده شد و مورد تقدیر حضار و مخصوصاً
اعضای کابینه اسفند مدت واقع گردید.

سرعت عمل

مجا کمه هاشم کارگر کافه جنت که متهم
بیریدن سر و مغز رقبا بود با سرعت بی نظیری
در ظرف يك ساعت و نیم در محکمه جنائی
تهران بعمل آمده و حکم اعدام صادر گردید.
باباشمل - از بس دست باچه بودند و
ترمز عدالت اتوماتیکی در رفته بود که قبل

سند

مدتیست که من هر وقت
میشم به دونه قزاق با
بدست میبینم که وقتی
از ترس خود مو میبازم.
ام بگی این دیکه از کجا
کاری حکومت قزاقیه
مردم او نو فراموش
و تو خیا بون جا گذاشته
مت قزاقی مخصوصیه.

فضول آغاسی
فضول آغاسی: از قدیم
نه بدش میاد، اونم
حالا جونم، تو هم که
میترسی اینا جلو چشمت
بدو نم چرا هر وقت تو
کنار خیا بونو میداری
بدان رد میشی که دم چک

اتو بیازی!
با ما مورقزاقخونه است
رای چی وسط خیا بونا
است میکی به روز که
یستی خودت برو از
دستگیرت شد بابا را
بد اون بیچاره خودش
چی اونجا گذاشتنش
ت از سر بازی دوره
شه که چون روزاول
تو خیا بونا بمونت،
اونارو بخوان و این
یلی به انضباط قزاقی
ه تو خیا بونا حاضر
تا دستور عقب گرد
رجعت این سوال تورا
که اکه اینطوره و
یادش بیفته و این
تکلیفی نجات بدهد تا
و تو هم بکنن.

نه یمنی

نا امیدی داد

د، عیدی داد
شیخ سر نه

اختلاس از حافظ

خرمن مویاجوی رو!!

جناب قهید اگر آرزوی مو دارد

رو بود که جوان است و آرزو دارد!

«در آن شمایل مطبوع هیچ نتوانگفت»

جز این لطیفه که بر جای سر کدو دارد!

چو برق شهر ضعیف است خاها ملت

ز بیمه سوزش روشن ارچه بود دارد!

چه غم که گریس خواجه مومیر وید

بجای خرمن مو خرمنی زرو دارد!

ز هر دری که برائی ز دیگری آید

بدین بهانه که اندر ده آبرو دارد!

بزور زرشده بر کرسی مراد سوار

چه باک اگر که رقیبان تند خود دارد!

چو تیغ یک منی اش (۱) میشود بلا گردان

چه غم که همگی بیچاره های بودازد!

که قادر است که از خواجه باز خواست کند!

«خود از کدام خم است اینکه در سبودارد!»

فراز تخت روان و کالت مجلس

«وراسزد که غلامان ما هرودارد!»

بیاس هم سری اش شرتوف نمود دفاع

که پاس هم سر هم بالکی نکودارد

غرض چو خواجه بود یادگار عهد جو از

«یادگار بماند که بوی او دارد!»

شیخ سرنا

(۱) باتما قولنج

کیهان شماره ۱۴۸۳

یک مژده مسرت بخش

بامداد امروز نرخ گندم و جو بقرار زیر بود، ولی

خریدار نداشت:

۱۸۰۰ ریال

گندم خرواری

> ۱۹۰۰

جو متوسط

> ۲۰۰۰

جو اعلا

> ۹۰۰

آرد گندم

علت ارزانی آرد را چنین توضیح میدهند که ناشی از مخلوط

کردن مواد خارجی با آرد است.

باباشمل - معلوم می شود جو خریدار و طرفدار زیاد

دارد. همقطار وای بحال تاجرو یا محترمی که از راهنامه ایهای

تجارتی تو استفاده کند.

نامه هفتگی

بابا شمل

روزهای پنجشنبه منتشر میشود
صاحب امتیاز و مدیر مسئول: رضا کججه
محل اداره: خیابان شاه آباد جنب کوچه
ظهیر الاسلام - تلفن: ۵۲-۸۶
مقالات وارده مسترد نمیشود. اداره
در درج و حک و اصلاح مقالات وارده
آزاد است. بهای لوايح خصوصی و
آکبها با دفتر اداره است.

نقل مندرجات این نامه بدون اجازه ممنوع است
بهای اشتراك
یکساله ۲۰۰ ریال ششماهه ۱۰۰ ریال

اهالی محترم آذربایجان

نامه باباشمل و شیک ترین کارت
تبریک عید را از بنگاه مطبوعاتی چمن آرا
به نازلترین قیمت خریداری نمایید.
آدرس: تبریز - خیابان تربیت ۲-۲

خبرهای کور

بطوریکه جارچیخونه تهران خبر
میدهد در تمام ولایات بارندگیهای مفید
و مفصلی آمده و باعث خشنودی دهکاهان
شده است.

باباشمل - الحمدالله در این مملکت
چیزی هم هست که باعث خشنودی این
بیچارگان باشد. ولی فراموش نباید کرد که
این وسیله خشنودی بدست آسمانست
والا اگر بدست زمامداران و اربابها بود
بمازار انبث از آن هم جلوگیری میکردند.

چرا

خفیه نویس ما از جنوب اطلاع میدهد
که الحمدالله پس از بارندگیهای اخیر علف
در صحرا سبز شده و مردم بچرا و فته اند.
باباشمل - نختندید، حقیقت دارد و
مردم جنوب سالهاست زمستان با هسته
خرما و تابستان با علف زندگی میکنند ولی
داخوشند که آزادی و استقلال و مشروطه
و نماینده دارند.



اردیو سترم
سوئدی
ENTRUM

بهترین رادیوی دنیا و مناسبتر
رادیو برای ایران

نمایندگی: شرکت کیا کا خیابان
پودر جمهوری - سرای طوسی
نمایندگی شهرستانها

مدان آقای حسین شهلا
تبریز > حمید >
رشت > محمد علی جواهر



هر روز یک کوزه ماست میکی و دو عدد تخم مرغ ماشین جدید جوچه کشی

مصرف کنید

۲-۱

Sal